

## جایگاه عقل نظری و عقل عملی در سیره رضوی

سید محمدعلی حسینی (زهرایی)<sup>۱</sup>

### چکیده

عقل و کارکردهای آن از دیرزمانی مورد بحث و گفتگو در محاورات علمی جهان، بین دانشمندان بوده و مباحث فراوانی را به خود اختصاص داده است. یکی از مباحث مطرح تقسیم به عقل نظری و عقل عملی است که خود دچار تحولاتی در نظرگاه اندیشمندان به‌ویژه در حوزه دین گردیده است. برخی آن را معارض با آموزه‌های دینی تلقی کرده و برخی دیگر عقل را یکی از ابزار معرفت‌شناسی دینی می‌دانند. سخن هرکسی ممکن است طرفدارانی داشته باشد؛ اما می‌توان گفت تبیین موضوع از نگاه امام معصوم جایگاه عقل نظری و عملی را بیشتر تثبیت خواهد کرد. این مقاله در پی تبیین دو قسم معروف عقل (نظری و عملی) از دیدگاه حضرت امام رضا علیه‌السلام بوده و بعد از تبیین آن از کارکردهای مختلف و متنوع عقل نظری و عملی از نگاه حضرت امام رضا علیه‌السلام، مواردی را با توجه به گنجایش مقاله به تبیین و تفسیر نشسته است.

**کلید واژه‌ها:** اسلام / قرآن کریم / عقل / دین / عقل نظری / عقل عملی / کارکردها.

---

۱. طلبه مقطع دکتری قرآن و علوم (گرایش قرآن و تربیت) جامعه المصطفیٰ ﷺ العالمیه

## مقدمه

اسلام برای عقل ارزش فراوانی قائل است و حجیت آن را می‌پذیرد و به ایمانی که متکی به عقل نباشد چندان بهایی نمی‌دهد و برای ایمان و اعمال نیک کم عقلان و سفیهان ارزش چندان قائل نیست.

اسلام شرط مکلف شدن به هر نوع تکلیف و پذیرش هر مسئولیتی، چه دینی و چه اجتماعی را، بهره‌مندی فرد از نیروی تعقل می‌داند.

اسلام تنها دینی است که پیروان خود را موظف می‌کند تا اصول دینی و اعتقادی و ایمانی خود را با اتکاء به عقل و استدلال عقلی بپذیرند، امری که در هیچ‌یک از ادیان دیگر سابقه ندارد.

مرحوم مجلسی از ابن عباس نقل می‌کند که گفت: 'اساس دین بر عقل نهاده شده و واجبات بر پایه عقل نهاده گشته و به‌وسیله عقل، خداوند شناخته می‌شود و به او توسل پیدا می‌کنند و انسان عاقل از هر تلاشگری که کارش متکی به عقل نیست به خدا نزدیک‌تر است و یک ذره کار نیک که از فرد عاقل سرزند برتر است از هزار سال جهاد جاهل'. (مجلسی: ۱۴۰۳، ۹۴/۱)

حسن بن جهم می‌گوید: 'جمعی از یاران ما، در حضور امام رضا علیه‌السلام به گفتگو پرداختند و ذکر عقل به میان آمد. حضرت فرمود: دین‌دارانی که عقل ندارند ارزشی ندارند و مورد اعتنا نیستند. عرض کردم جانم به فدایت، برخی افراد که به آئین شیعه گرویده‌اند و به نظر ما خوش عقیده هم می‌باشند عقل شایسته‌ای ندارند، فرمود: خدا با آنان حرفی ندارد زیرا خدا عقل را آفرید و به او فرمود: رو آور، رو آورد و به او فرمود: پشت کن، پشت کرد، خدا فرمود: به عزت و جلالم سوگند که بهتر و محبوب‌تر از تو نیافریدم و مؤاخذه و عطایم متوجه توست. (کلینی: ۱۴۲۹، ۶۳/۱)

۱. أَسَاسُ الدِّينِ بُنِيَ عَلَى الْعَقْلِ وَ فُرِضَتِ الْفَرَائِضُ عَلَى الْعَقْلِ وَ رَبَّنَا يُعْرِفُ بِالْعَقْلِ وَ يُتَوَسَّلُ إِلَيْهِ بِالْعَقْلِ وَ الْعَاقِلُ أَقْرَبُ إِلَيَّ رَبِّي مِنْ جَمِيعِ الْمُجْتَهِدِينَ بَعِيرِ عَقْلٍ وَ لَمِثْقَالِ ذَرَّةٍ مِنْ بَرِّ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ جِهَادِ الْجَاهِلِ أَلْفَ عَامٍ.

۲. فَقَالَ: «أَلَا يُعْبَأُ بِأَهْلِ الدِّينِ مِمَّنْ لَاعَقْلَ لَهُ». قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنَّ مِمَّنْ يَصِفُ هَذَا الْأَمْرَ قَوْمًا لَابَاسَ بِهِمْ عِنْدَنَا، وَ لَيْسَتْ لَهُمْ تِلْكَ الْعُقُولُ؟ قَالَ: «لَيْسَ هَؤُلَاءِ مِمَّنْ خَاطَبَ اللَّهُ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الْعَقْلَ، فَقَالَ لَهُ: أَقْبَلْ، فَأَقْبَلَ، وَ قَالَ لَهُ: أَدْبِرْ، فَأَدْبَرَ، فَقَالَ: وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي، مَا خَلَقْتُ شَيْئًا أَحْسَنَ مِنْكَ - أَوْ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْكَ - بِكَ آخِذٌ، وَ بِكَ أَعْطَى»

روایات منقول از حضرت امام رضا علیه السلام نیز، هم در بعد عقل نظری و هم در بعد عقل عملی، ما را به این حقیقت انکارناپذیر آشنا می‌کند که مقاله پیش رو جایگاه عقل نظری و عقل عملی در سیره حضرت امام رضا علیه السلام را به تبیین و بررسی نشسته است.

## ۱. مفهوم شناسی

### عقل در لغت

واژه عقل در زبان عرب پیش از نزول قرآن به کار برده می‌شد و معنای آن برای مخاطبان قرآن شناخته شده بود. با توجه به استعمال‌های این واژه شاید بتوان گفت عقل در اصل به معنای بستن (عقد) است. (ابن منظور: ۱۳۰۸ ق، ۹/۳۶۲). یا برای صیانت از چیزی باشد که لازمه آن بازداشتن (حبس، حصر، منع و حجر) و نگاه داشتن (امساک و حفظ) است. (همان) از این رو عرب به هر چیزی که برخی از این آثار را داشته باشد، عقل گفته است.

عقل به معنای علم نیز به کار رفته است با این تفاوت که علم، مطلق دانش و عقل، دانش بازدارنده از زشتی‌هاست، (عسکری: ۱۴۱۲ ق، ابی هلال: ۶۵). یعنی عقل، فهم و درک چیزی است که همراه با آثار مثبت و منفی آن باشد و آن موجب می‌شود که انسان فهم کننده به آن روی آورد یا از آن بازایستد.

در مفردات راغب در مورد عقل چنین آمده است: عقل به آن قوه‌ای گفته می‌شود که آماده پذیرفتن علم و دانش است و گاهی نیز به دانشی گویند که به وسیله همین قوه به دست آمده است. در اطلاق اول، عقل به معنای عاقل و در دومی به معنای معقول گرفته شده است. اصل عقل، امساک، پیوند دادن و نگاه داشتن است و به همین دلیل به عقل شتر، عقل شتر گویند، به دارویی که مانع روانی شکم می‌شود، عقل بطن گویند. عقلت المرأة یعنی زن موی سرش را بست. بستن زبان را عقلت اللسان و بستن دست را عقل کفه می‌گویند. به زندان معقل گویند چون انسان‌ها در آن نگهداری می‌شوند و از خروج آن‌ها جلوگیری می‌شود. (راغب اصفهانی: ۱۳۷۴، ذیل واژه عقل).

### عقل در اصطلاح

در اصطلاح، هر علمی از منظر خودش به عقل نگریسته است؛ و می‌توان اصطلاحات مختلفی را اعم از ادبیات، منطق، اصول، فقه، تفسیر، فلسفه، کلام، عرفان و... بیان کرد؛ علامه طباطبایی به عنوان یک فیلسوف بعد از آنکه واژگان مترادف با عقل را کالبدشکافی می‌کند بعد از بیان معنای لغوی، عقل را در اصطلاح این گونه بیان کرده است:

کلمه‌ی عقل در لغت به معنای بستن و گره زدن است به همین مناسبت ادراکاتی هم که انسان دارد و آن‌ها را در دل پذیرفته و پیمان قلبی نسبت به آن‌ها بسته، عقل نامیده‌اند و نیز مدرکات آدمی و آن قوه‌ای را که در خود سراغ دارد و به‌وسیله آن خیر و شر و حق و باطل را تشخیص می‌دهد، عقل نامیده‌اند و در مقابل این عقل، جنون، سفاهت، حماقت و جهل قرار دارد که مجموع آن‌ها کمبود نیروی عقل است و این کمبود به اعتباری جنون، به اعتباری دیگر سفاهت، به اعتبار سوم حماقت و به اعتبار چهارم جهل نامیده می‌شود؛ و خدای عز و جل هم کلام خود را بر همین اساس ادا نموده و عقل را به نیرویی تعریف کرده که انسان در دینش از آن بهره‌مند شود و به‌وسیله آن راه را به‌سوی حقائق، معارف و اعمال صالحه پیدا نموده و پیش بگیرد، پس اگر عقل انسان در چنین مجرای قرار نگیرد و قلمرو علمش به چهار دیوار خیر و شرهای دنیوی محدود گردد، دیگر عقل نامیده نمی‌شود. (طباطبایی: ۱۳۷۴، ۲/۳۷۱).

بنابراین می‌توان گفت که عقل همان ابزاری است که بتواند انسان را به‌سوی هدف مطلوب و یا شاهراه سعادت و کمال سوق دهد؛ در غیر آن عقل به معنای واقعی نخواهد بود.

## ۲. اقسام عقل و دیدگاه‌ها

از دیرباز در تقسیم عقل میان دانشمندان اختلاف‌نظرهای وجود داشته است؛ علامه محمدتقی جعفری به‌عنوان یک دانشمند در حوزه فلسفه و حکمت بعد از تبیین کارکردهای عقل در تقسیم‌بندی عقل چنین اظهارنظر کرده است:

فلاسفه، حکما و عرفای جهان‌شناس، هم در شرق و هم در غرب، عقل را به سه نوع معین تقسیم کرده‌اند:

**الف:** عقل نظری که آن را عقل جزئی نیز اصطلاح نموده‌اند

**ب:** عقل عملی که عبارت است از: وجدان آگاه از اصول و قوانین که توانایی تطبیق آن‌ها را بر موارد خود دارا هست. نمی‌گوییم همه آنان در تفسیر «عقل عملی» کلمه وجدان آگاه را به‌کاربرده‌اند، بلکه مقصود این است که: تعریف آنان درباره عقل عملی به نحوی بیان می‌شود که بامعنای وجدان آگاه و فعال قابل انطباق هست.

**ج:** عقل کلی که نمودی از «عقل کل» است. این اصطلاح در میان حکما و عرفای جهان‌شناسی مانند مولوی، به‌کاررفته است. (علامه جعفری: ۱۳۸۹، ۶۲).

از دیگر سوی، علامه آیت‌الله جوادی آملی، ضمن بررسی عقل و مترادف‌های آن در یک تقسیم‌بندی کلی و معنای لغوی عقل این‌گونه گفته است: «عقل» به معنای منع

است و زانوبند شتر را از این جهت «عقال» گویند که شتر را از حرکت بیجا منع می‌کند. عقل در اصطلاح به عقل نظری و عقل عملی تقسیم می‌شود.

### أ) تبیین عقل نظری

عقل نظری، راهنمای اندیشه بشر است. نیرویی است که با آن هست و نیست‌ها و بایدونبایدها درک می‌شود. (جوادی آملی: ۱۳۸۸، ۱۱۹). در موردی دیگری گفته است: در یک نگاه، انسان دارای دو جنبه علم و عمل است. علم و اندیشه انسان را عقل نظری رهبری می‌کند، کنترل طغیان‌های علمی مانند وهم، خیال، قیاس و گمان، باعقل نظری است بنابراین، همه امور ادراکی انسان که از سنخ اندیشه و علم است، تحت رهبری عقل نظری است، مرز وظایف عقل نظری و عقل عملی کاملاً متفاوت است، ولی هر دو از شئون نفس انسان و زیر نظر نفس هستند. در این دیدگاه گفته می‌شود: «عقل نظری چونان قوه مقننه و عقل عملی بسان قوه مجریه است، ولی در حقیقت امام اصلی، عقل نظری است، چون عقل عملی از عقل نظری فرمان می‌گیرد؛ عقل نظری فتوا می‌دهد که حلال و حرام الهی، زشت و زیبا و حق و باطل کدام است». (جوادی آملی: ۱۳۸۹، ۴۱۴/۲۰)

### ب) تبیین عقل عملی

راهبر انگیزه انسان عقل عملی است، نیرویی است که با آن عمل می‌شود؛ چنان‌که حضرت امام صادق علیه‌السلام در تبیین عقل فرموده‌اند: «مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اَكْتُسِبَ بِهِ الْجَنَانُ» (برقی: ۱۳۷۱، ۱، ۱۹۵). در اینجا مقصود از عقل، عقل عملی است که با صرف درس خواندن به دست نمی‌آید. آموختن دانش، عقل نظری را کامل می‌کند؛ اما عقل عملی با تمرین مکرر عمل صالح، به کمال می‌رسد.

عقل عملی اصطلاح دیگری نیز دارد که به لحاظ معقول یعنی حکمت عملی و منطقیه بایدونباید، نام‌گذاری می‌شود؛ به طوری که معرفت آنچه باید انجام شود و آنچه نباید عمل شود، عقل عملی نام دارد. (جوادی آملی: ۱۳۸۸، ۱۱۹).

عمل و انگیزه انسان، رام کردن لغزش‌های شهوت و غضب، اجرای احکام الهی و امور تحریکی انسان که از سنخ عمل است، تحت رهبری عقل عملی است. (جوادی آملی: ۱۳۸۹، ۲۰، ۴۱۴)

### ج) چگونگی عملکرد عقل نظری

عقل، نیروی راهنما و راهبر اندیشه و انگیزه است و وظیفه اصلی او هماهنگ ساختن این دو است. بدین منظور، نخست عقل نظری، اندیشه را از وسوسه‌های حس و وهم و

خیال می‌رساند، ولی از آن‌ها به کلی دست نمی‌شوی؛ بلکه با تعدیل این امور، از آن‌ها بهره می‌برد و از افراط و تفریط می‌پرهیزد. (جوادی آملی: ۱۳۸۸، ۱۲۱).

حس و وهم و خیال، باید چونان مرکب‌هایی راهوار در خدمت انسان درآیند و عقل به اندیشه می‌آموزد که زانوی این نیروهای چموش و سرکش را عقل کند و از آن‌ها بهره عالمانه برد. عقل کردن یعنی بستن زانوی جانور چموش؛ چنان که عقل نیز زانوی جهل سرکش را در بخش دانش و زانوی جهالتِ عنان‌کش را در بخش منش، رام و تعدیل و تنظیم می‌نماید. (جوادی آملی: ۱۳۸۸، ۱۲۱).

#### د) چگونگی عملکرد عقل عملی

پس از پیراستن اندیشه، باید دستگاه انگیزه و اراده نیز پاکیزه شود تا علم به مرحله عمل بار یابد. بدین منظور، عقل عملی، زانوی شهوت و غضب را عقل می‌کند تا انسان از این مرکب‌های راهوار و تعدیل‌شده نیز به‌درستی بهره گیرد. از آن‌پس انسان خردمندانه تصمیم می‌گیرد و بجا عمل می‌کند. چنین انسانی، نه در صدد اسماع برمی‌آید تا کردارش را به گوش دیگران رسانده، به دام سمعه افتد و نه در پی ارائه برمی‌آید تا رفتارش را به رؤیت دیگران رسانده، گرفتار ریا شود؛ زیرا باید در پی خشنودی خدایی بود که به هر چیزی احاطه دارد؛ «إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ»<sup>۱</sup> (جوادی آملی: ۱۳۸۸، ۱۲۲).

#### ه) تفاوت‌های عقل نظری و عملی نسبت به افراد

عقل نظری و عملی افراد، دارای قوت و ضعف است. حضرت امام کاظم علیه‌السلام، به هشام بن حکم فرمود: مردم در دنیا چهار صنف‌اند: گروه اول: افرادی که با گردن سپردن به هوای نفس خود، هر لحظه سقوط می‌کنند (عقل نظری و عقل عملی این گروه ضعیف است). گروه دوم: عالمانی که هر چه بر علم آنان افزوده شود، بر کبر آنان نیز افزوده می‌شود و بر پایین‌تر از خود تکبر می‌ورزند (عقل نظری این گروه قوی است، اما عقل عملی آنان ضعیف است). گروه سوم: عابدان جاهلی که دیگران را کوچک می‌شمارند و دوست دارند بزرگ شمرده شوند. (عقل عملی این گروه قوی است اما عقل نظری آنان

۱. فصلت: ۵۴.

۲. يَا هِشَامُ احْذَرْ هَذِهِ الدُّنْيَا وَ احْذَرْ اَهْلِهَا فَاِنَّ النَّاسَ فِيهَا عَلَيَّ اَرْبَعَةٌ اصْنَافٌ: رَجُلٌ مَتَرَدٌّ مَعَانِقِ لَهْوَاهُ وَ مَتَعَلِّمٌ مَقْرِيٌّ كَلِمًا ازْدَادَ عِلْمًا ازْدَادَ كِبْرًا يَسْتَعْلِي بِقِرَاءَتِهِ وَ عِلْمِهِ عَلَيَّ مَنْ هُوَ دُونَهُ وَ عَابِدٌ جَاهِلٌ يَسْتَصْغِرُ مَنْ هُوَ دُونَهُ فِي عِبَادَتِهِ يُحِبُّ اَنْ يُعْظَمَ وَ يُوقَّرَ وَ ذِي بَصِيرَةٍ عَالِمٌ عَارِفٌ بِطَرِيقِ الْحَقِّ يُحِبُّ الْقِيَامَ بِهِ فَهُوَ عَاجِزٌ اَوْ مَغْلُوبٌ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَيَّ الْقِيَامَ بِمَا يَعْرِفُهُ فَهُوَ مَحْزُونٌ مَغْمُومٌ بِذَلِكَ فَهُوَ امْتَلِ اَهْلَ زَمَانِهِ وَ اَوْجِهْهُمْ عَقْلًا.

ضعیف است). گروه چهارم: بصیر، عالم و عارف به راه حق که آن را به مقدار توان می‌پیماید. (عقل نظری و عقل عملی این گروه قوی است). گروه چهارم، وجیه ترین مردم از نظر عقل‌اند. (ابن شعبه حرانی: ۱۳۶۳، ۴۰۰).

## ۲. جایگاه عقل در آیات

قرآن کریم، در آیات متعدد بر لزوم رشد و به‌کارگیری عقل تأکید بسیار کرده است. از این رو که تصدیق خدا و آخرت در مباحث نظری و فهم و اجرای درست نقل در مباحث عملی و کسب سعادت و بهروزی انسان در دنیا و نیل به قرب الهی در آخرت منوط به عقل است.

عقل در قرآن کریم، فقط به صورت فعلی استعمال شده و مراد از آن نوعی فهم خاص است که به ظواهر اکتفا نمی‌کند و حقیقت معنا را درمی‌یابد. از دیدگاه قرآن کریم، برای رسیدن به چنین فهمی، نباید تنها به فعالیت‌های ذهنی بسنده کرد، بلکه لازم است در جهت سلامت فطرت و تزکیه روح نیز کوشید. عقل از دیدگاه قرآن، بی‌نیاز کننده از وحی نیست، بلکه شیوه‌ای برای فهم حقیقت وحی نیز هست. البته کسانی که از چنین توانی برخوردار نباشند، اگر به ظواهر وحی نیز ملتزم شوند، اهل نجات خواهند بود.

در قرآن کریم، ۴۹ بار از مشتقات «عقل» استفاده گردیده و همه این مشتقات به صورت فعل استعمال شده‌اند؛ بنابراین، در قرآن مجید، «عقل» به صورت اسم و حتی مصدر وجود ندارد. استعمالات عقل در قرآن به این صورت است: «تعقلون» ۲۴ بار، «یعقلون» ۲۲ بار، «یعقلها» ۱ بار، «نعقل» ۱ بار و «عقلوه» ۱ بار. این تعداد بیان عقل، بیانگر اهمیت ویژه‌ای عقل در حیات بشری در کلام وحی است.

توجه به این نکته لازم است که: هرچند عقل متاعی گران‌بها و باارزش است و قرآن کریم نیز بارها به آن سفارش کرده، اما این تنها راه سعادت نیست. کسانی که توانایی عقلی در فهم وحی نداشته باشند اگرچه به ظاهر کلام خدا نیز توجه کنند و به آنچه می‌شنوند ملتزم بمانند، اهل نجات خواهند بود.

## ۳. جایگاه عقل در روایات

در روایات اسلامی از عقل به عنوان پیامبر درونی تعبیر می‌شود و فقهای شیعه عقل را یکی از ادله چهارگانه استنباط احکام شرعی به حساب می‌آورند؛ و علم و تجربه به برکت عقل کار آیی لازم را پیدا می‌کنند و نقش عمده‌ی عقل در تعدیل غرایز و عواطف و احساسات انسان قابل‌انکار نیست.

هرچند بحث ما بررسی همه‌ی روایات مطرح‌شده از ناحیه‌ای معصومین علیهم‌السلام، راجع به عقل نیست؛ اما برای پی بردن به جایگاه عقل در لسان معصومین علیهم‌السلام، از باب نموده به چند روایت اشاره می‌کنیم:

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده است: «**أَنْتُمْ يَدْرِكُ الْخَيْرُ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ.**» (نوری: ۱۴۰۸ ق، ۱۱، ۲۰۹). همانا تمام خیرها و خوبی‌ها به وسیله عقل حاصل می‌شود و کسی که عقل ندارد دین ندارد.

حضرت امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «**مَنْ كَانَ عَاقِلًا كَانَ لَهُ دِينٌ وَ مَنْ كَانَ لَهُ دِينٌ دَخَلَ الْجَنَّةَ**» (حر عاملی، ۱۴۲۵ ق، ۱، ۶۲). هر کس که عاقل باشد دین‌دار است و هر کس که دین‌دار باشد به بهشت می‌رود.

حضرت علی علیه‌السلام فرموده است: «هر کس یک خصلت نیک و پایدار به من دهد (داشته باشد) به خاطر آن یک صفت او را می‌پذیریم و از نداشتن صفات دیگرش می‌گذرم ولی از نداشتن عقل و نداشتن دین چشم‌پوشی نمی‌کنم زیرا در بی‌دینی امنیت نیست و زندگی در ترس و هراس لذت‌بخش نمی‌باشد و نبودن عقل، نبودن زندگی است، بی‌خرد جز مرده‌ای بیش نیست و بی‌عقلان جز با مرده‌ها مقایسه نمی‌شوند.» (مجلسی: ۱۴۰۴ ق، ۱، ۹۲).

روایات بی‌شماری در ارزش و اهمیت عقل و کارکردهای آن از سوی حضرات معصومین علیهم‌السلام، بیان گردیده و مستنداً به دست ما رسیده که بیان آن‌ها از گنجایش مقاله بیرون است.

#### ۴. نمودهای عقل نظری در سیره رضوی

##### أ) بهترین دوست

امام رضا (ع) در بیان قیمت و گران‌بهایی عقل می‌فرماید: «**صَدِيقُ كُلِّ امْرِئٍ عَقْلُهُ وَ عَدُوُّهُ جَهْلُهُ.**» (ابن شعبه حرانی: ۱۳۶۳، ۴۴۳). صدیق به معنای دوستی است که هرگز در روابط خود خیانت نمی‌کند.

۱. مَنْ اسْتَحْكَمَتْ لِي فِيهِ خَصْلَةٌ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ احْتَمَلْتُهُ عَلَيْهَا وَ اغْتَفَرْتُ فَقَدْ مَا سِوَاهَا وَ لَا اُغْتَفِرُ فَقَدْ عَقْلٌ وَ لَا دِينَ لِأَنَّ مُفَارَقَةَ الدِّينِ مُفَارَقَةُ الْأَمْنِ فَلَا يَتَّهِنُ بِحَيَاةٍ مَعَ مَخَافَةٍ وَ فَقَدْ الْعَقْلُ فَقَدْ الْحَيَاةُ وَ لَا يُقَاسُ إِلَّا بِالْأَمْوَاتِ.



از دیدگاه امام رضا علیه السلام عقل سلیم دوستی است که در راهنمایی انسان صادقانه عمل می کند و آن چراغی است فرا آدمی به سوی خیر و سعادت.

و دشمن هر انسانی جهل اوست گر چند این انسان عالم باشد و سواد مدرسه ای داشته باشد ولی عالم جاهل است یعنی نمی تواند از نیروی عقلش درست بهره گیری کند چنین انسانی در زندگی بازنده است.

### ب) دعوت منطقی به دین

حضرت امام رضا علیه السلام در پاسخ شخصی به نام عبدالعزیز ابن مسلم که تردید مردم در بدو ورود حضرت، نسبت به مقام امامت را برای حضرت بیان کرده بود در بیان مفصلی فرمودند که از جمله این فراز است<sup>۱</sup>:

امام حلال و حرام خدا را بیان می کند و حدود خدا را بر پا می دارد و از دین خدا دفاع می کند و با حکمت و پند نیک و دلیل رسا به راه خدا دعوت می نماید. (کلینی: ۱۴۲۹ ق، ۱، ۲۰۰).

امام در این فرمایش به استفاده از مراتب عقل ورزی در جهت تبیین و دفاع از آموزه های دینی اشاره می فرمایند و در واقع به صورت تلویحی این معنا را متذکر می شوند که برای سطحی از عقول باید از موعظه حسنه و برای سطح دیگر از نکات حکمی و برای سایرین و مراتب بالاتر از حجت بالغه استفاده کرد.

### ج) احیاء قلوب

امام رضا علیه السلام می فرماید: علم، قلبها را از جهل بیرون می سازد و به آنها حیات می بخشد و دیدگان را از تاریکی بیرون می آورد و به آنها نور می دمد. علم، بدنها را از ضعف و ناتوانی می رهند و به آنها نیرو می بخشد. علم، بنده را به جایگاه شایستگی و مجالس نیکان و درجات عالی دنیا و آخرت می رساند. مذاکره علمی، معادل روزه داری است و تدریس علم، همسان نماز است. به واسطه علم، پروردگار

۱. الْأَمَامُ يُحِلُّ حَلَالَ اللَّهِ وَ يَحْرِمُ حَرَامَ اللَّهِ وَ يَقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَ يَذُبُّ عَنِ دِينِ اللَّهِ وَ يَدْعُو إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ الْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ.

۲. إِنَّ الْعِلْمَ حَيَاةُ الْقُلُوبِ مِنَ الْجَهْلِ وَ ضِيَاءُ الْأَبْصَارِ مِنَ الظُّلْمَةِ وَ قُوَّةُ الْأَبْدَانِ مِنَ الضَّعْفِ يَبْلُغُ بِالْعَبْدِ مَنَازِلَ الْأَخْيَارِ وَ مَجَالِسَ الْأَبْرَارِ وَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَى فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ الذِّكْرُ فِيهِ يَعْدِلُ بِالصِّيَامِ وَ مُدَارَسَتُهُ بِالْقِيَامِ بِهِ يُطَاعُ الرَّبُّ وَ يُعْبَدُ وَ بِهِ تُوصَلُ الْأَرْحَامُ وَ بِهِ يُعْرَفُ الْحَلَالُ وَ الْحَرَامُ الْعِلْمُ إِمَامُ الْعَمَلِ وَ الْعَمَلُ تَابِعُهُ لَهُمُ السُّعْدَاءُ وَ يَحْرِمُهُ الْأَشْقِيَاءُ فَطُوبَى لِمَنْ لَمْ يَحْرِمِهِ اللَّهُ مِنْهُ حَقًّا.

اطاعت و عبادت می‌شود و به واسطه علم، صلح‌رحم محقق و حلال و حرام شناخته می‌شود. علم، پیشگام عمل است و عمل پیرو آن، سعادت‌مندان از علم بهره می‌گیرند و شقاوت‌مندان از آن محروم‌اند. خوشا به حال کسی که خداوند بهره علم را بر او حرام نکرده است. (مجلسی: ۱۴۰۳، ۱، ۱۷۱).

این نگاه اجمالی به آموزه‌های رضوی گویای این معنا است که استدلال عقلی و دین به‌عنوان دو نماد عقلانیت و معنویت هردو از مواهب خداوند برای انسان‌ها هستند و بر همین اساس تکریم انسان مستلزم تکریم و تعظیم ثمره عقل یعنی عقلانیت و خردورزی و ثمره معنویت یعنی دین‌داری و دین‌ورزی است و استقبال از یکی و استدبار از دیگری موجب زیان‌های زیادی به حیات معنوی و عقلانی بشریت خواهد شد.

#### د) اندیشه‌ی حیات‌بخش

امام رضا علیه‌السلام تفکر در مبدأ حقایق اشیا را بالاترین مرتبه عبادت می‌داند. چنانکه می‌فرماید: عبادت به زیادی نماز و روزه نیست بلکه عبادت تفکر در امر (فرامین) خدای تعالی است. (ابن شعبه حرانی: ۱۳۶۳، ۴۴۲). درواقع مقصود ایشان این است که تفکر درباره معبود قهرا عبادت عملی، آگاهانه و پایداری را به همراه می‌آورد.

#### ه) دلیل خدانشناسی

امام رضا علیه‌السلام، در اثبات عقلانی نخستین مبانی اعتقادی (توحید) در پاسخ یکی از مادیون که از ایشان دلیلی را بر اثبات وجود خداوند درخواست نمود، استدلال برهان نظم را بیان نمودند که به‌روشنی و قابل‌فهم تمامی عقول است: «من چون به جسد خود نظر افکندم و امکان کم‌وزیاد کردن در آن و نیز دفع زیان‌ها و جلب منافع را برای آن در خود نیافتم دانستم که این بنیان و ساختمان را سازنده‌ای است و بدین‌سان به وجودش اقرار نمودم علاوه بر اینکه می‌بینم گردش افلاک به قدرت او و پیدایش ابرها، حرکت بادها و جریان خورشید و ماه و ستارگان و دیگر نشانه‌ای شگفت‌آور و

۱. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصَّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ.

۲. إِنِّي لَمَّا نَظَرْتُ إِلَى جَسَدِي فَلَمْ يُمَكِّنِي زِيَادَةٌ وَلَا نُقْصَانٌ فِي الْعُرْضِ وَطَوْلٌ وَدَفْعُ الْمَكَارِهِ عَنْهُ وَجَرُّ الْمُنْفَعَةِ إِلَيْهِ عَلِمْتُ أَنَّ لِهَذَا الْبَيَانَ بَاطِنًا فَأَقْرَرْتُ بِهِ مَعَ مَا أَرَى مِنْ دَوْرَانِ الْفَلَكَ بِقُدْرَتِهِ وَإِنْشَاءِ السَّحَابِ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَمَجْرَى الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَالنُّجُومِ وَغَيْرِ ذَلِكَ مِنَ الْآيَاتِ الْعَجِيبَاتِ الْمُتَّفَاتِ عَلِمْتُ أَنَّ لِهَذَا مُقَدَّرًا وَمُنْشَأً.

درعین حال روشن را به دست او یافتیم دانستم که از برای تمام این‌ها گرداننده و پدیدآورنده‌ای وجود دارد.» (ابن بابویه: ۱۳۷۸، ۱، ۱۲۰).

## ۵. نمودهای عقل عملی در سیره رضوی

### أ) عامل آرامش

از فرمایشات نورانی حضرت رضا علیه‌السلام این‌طور برداشت می‌شود که ایشان عقل را ابزاری برای سلامت روحی و رشد معنوی انسان بیان می‌کند.

از امام رضا علیه‌السلام سؤال شد عقل چیست؟ حضرت فرمود: «عقل آن است که انسان غصه‌ها را فرورد و گرفتاری‌ها را تحمل نموده و با دشمنان بسازد و با دوستان مدارا کند.» (طبرسی: ۱۳۴۴، ۲۴۹).

حضرت در این حدیث شریف عقل را ابزاری بیان می‌کنند که نفس انسانی به سبب مواظبت بر اعمال به اموری دست می‌یابد که با آن، اعمال و افعالی را که باید انجام دهد انجام یا اعمال و رفتاری را که نباید انجام دهد، ترک کند.

بندگان حقیقی پروردگار زمانی که به عبادت معبود خود می‌پردازند، از این عبادت و نیایش برایشان اطمینان و آرامش حاصل می‌شود و به سبب این آرامش و استواری غصه از آن‌ها رخت می‌بندد و می‌توانند سخت‌ترین دشواری‌ها را تحمل کنند؛ و این گروه از افراد در چهره و قلبشان غصه و اندوه راه ندارد و می‌توانند با دوستان و اطرافیان خود مدارا نمایند.

بنابراین شخص عاقل دارای اخلاق نیکو و ملکات نفسانی است و چون قوه شیطنتش تحت سیطره عقل اوست، از بدترین رفتارهای پست و حیوانی به دور هست.

### ب) کمال عقل با ده خصلت ممتاز

حضرت امام رضا علیه‌السلام در ارتباط با ویژگی‌های که عقل را یاری و به کمال می‌رساند فرمودند: عقل شخص مسلمان تمام نیست، مگر اینکه ده خصلت را دارا باشد<sup>۱</sup>:

۱. أَنَّهُ سَأَلَ مَا الْعَقْلُ قَالَ التَّجَرُّعُ لِلْغُصَّةِ وَمُدَاهَنَةُ الْأَعْدَاءِ وَمُدَارَاةُ الْأَصْدِقَاءِ.

۲. لَا يَتِمُّ عَقْلُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ الْخَيْرِ مِنْهُ مَأْمُولٌ وَ الشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونٌ يَسْتَكْتَرُ قَلِيلَ الْخَيْرِ مِنْ غَيْرِهِ وَ يَسْتَقِيلُ كَثِيرَ الْخَيْرِ مِنْ نَفْسِهِ لَا يَسَامُ مِنْ طَلَبِ الْحَوَائِجِ إِلَيْهِ وَ لَا يَمَلُّ مِنْ طَلَبِ الْعِلْمِ طَوَّلَ

۱. از او امید خیر باشد؛
۲. از بدی او در امان باشند؛
۳. خیر اندک دیگری را بسیار شمارد؛
۴. خیر بسیار خود را اندک شمارد؛
۵. هر چه حاجت از او خواهند دل‌تنگ نشود؛
۶. در عمر خود از دانش‌طلبی خسته نشود؛
۷. فقر در راه خدایش از توانگری محبوب‌تر باشد؛
۸. خواری در راه خدایش از عزت با دشمنش محبوب‌تر باشد؛
۹. گمنامی را از پر نامی خواهان‌تر باشد؛

سپس فرمود: اما دهمی! و چیست دهمی؟ پرسیدند: دهمی چیست؟ فرمود: احدی را ننگرد، جز آنکه بگوید او از من پرهیزکارتر است؛ زیرا در این مورد مردم دودسته‌اند: دسته‌ای بهتر و باتقواتر از او و دسته‌ای در مرتبه پایین‌تر. هرگاه کسی را ملاقات کند که از وی در مرتبه پایین‌تری است با خود اندیشد که شاید این شخص در باطن از او بالاتر است و خود را کمتر از او ارزیابی کند و اگر کسی را ببیند که بهتر از اوست در برابرش تواضع کند تا به او ملحق شود. هرگاه کسی به این درجه از کمال رسید مقامی ارجمند یافته و خیرش همه‌جا را فرا خواهد گرفت و نام نیکش همه‌جا یاد می‌شود و برتر از اهل زمان خویش می‌گردد. (ابن شعبه حرانی: ۱۳۶۳، ۴۴۳)

چنانکه در این فرمایش حضرت دیده می‌شود امام رضا بایبان اینکه کمال و رشد عقلی فرد منوط به داشتن صفات و ویژگی‌های اخلاقی است که مورد تأکید شدید دین اسلام است درواقع به پیوند عمیق میان عقلانیت و ارزش‌های اخلاقی که منبعث از عقل عملی در دین اسلام است اشاره و بلکه تصریح می‌کنند.

### ج) تبیین عقلانی فلسفه احکام

امام رضا علیه‌السلام، ضمن تبیین فلسفه احکام، نوعی تبیین عقلانی از فلسفه احکام را پی می‌گیرند که با تعبد به احکام منافاتی ندارد. ابن قتیبه نیشابوری نقل

دَهْرِهِ الْفَقْرُ فِي اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْعَنَى وَالذُّلُّ فِي اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْعِزِّ فِي عَدُوِّهِ وَالْحُمُولُ أَشْهَى إِلَيْهِ مِنَ الشُّهْرَةِ ثُمَّ قَالَ عِ الْغَاثِرَةُ وَمَا الْغَاثِرَةُ قِيلَ لَهُ مَا هِيَ قَالَ عِ لَأَ بَرَى أَحَدًا إِلَّا قَالَ هُوَ خَيْرٌ مِنِّي وَأَتْقَى.

می‌کند که چون از فضل بن شاذان، آنچه را از فلسفه احکام بیان می‌کرد شنیدم، از او پرسیدم: آیا این علت‌ها (حکمت‌ها) را از استنباط و استخراج خود می‌گویید و تنها متکی به عقل تو است یا آنکه آن را شنیده‌ای و روایت می‌کنی؟ فضل بن شاذان گفت: مرا توان آن نبوده و نیست که مراد و حکمت خدا را در فرایض و مراد و حکمت رسول را در سنتش، از پیش خود بشناسم، بلکه آنچه نقل می‌کنم از مولایم امام رضا علیه‌السلام به صورت پراکنده شنیده‌ام و آن‌ها را گردآورده‌ام.

حضرت امام رضا علیه‌السلام، در بیان فلسفه هر حکمی با اشاره به حکمت‌های و فواید عقلانی آن حکم در واقع مردم عصر خود را متوجه دلایل عقل پسند احکام اسلامی کرده و از این رهگذر به‌طور غیرمستقیم به پیوند میان عقلانیت و دیانت در آموزه‌های اسلامی اشاره می‌کنند.

### فلسفه وضو

حضرت امام رضا علیه‌السلام در تبیین عقلانی فلسفه و حکمت وضو چنین فرموده است: «وضو برای این است که بنده در مقابل خداوند، پاکیزه باشد و از کثافت و نجاست پاک شود و خواب از چشم او بیرون رود. سبب وجوب شستن صورت، این است که با صورت، سجده و خضوع می‌کند و علت شستن دست، این است که با دست خود، حاجت خود را عرضه می‌کند و علت مسح سر، این است که سر خود را در حالت نماز روبه‌قبله می‌کند و علت مسح پا این است که قیام و قعود نماز را با آن انجام می‌دهد.» (حر عاملی: ۱۴۰۹، ۱، ۳۶۷)

در این روایت حضرت امام رضا علیه‌السلام، به‌طور مفصل و مشروح فلسفه وضو را تبیین عقلانی کرده آثار وضو بر جسم و جان را دلیل و علت این فعل شرعی و تکلیفی دانسته است. کاری که در بدو امر برای خیلی‌ها به‌خصوص از نظر روحی و روانی ممکن است مخفی و پوشیده باشد.

۱. لَأَنَّ يَكُونَ الْعَبْدُ طَاهِرًا إِذَا قَامَ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ عِنْدَ مَنَاجَاتِهِ إِيَّاهُ مُطِيعًا لَهُ فِيمَا أَمَرَهُ نَقِيًّا مِنَ الْأَدْنَسِ وَالنَّجَاسَةِ مَعَ مَا فِيهِ مِنْ ذَهَابِ الْكَسَلِ وَطَرْدِ النُّعَاسِ وَتَرْكِيَةِ الْفُؤَادِ لِلْقِيَامِ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ فَإِنَّ قَالَ لَمْ وَجِبَ ذَلِكَ عَلَى الْوَجْهِ وَالْيَدَيْنِ وَالرَّأْسِ وَالرِّجْلَيْنِ قِيلَ لَأَنَّ الْعَبْدَ إِذَا قَامَ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ فَإِنَّمَا يَتَكَشَّفُ مِنْ جَوَارِحِهِ وَيَطْهَرُ مَا وَجِبَ فِيهِ الْوُضُوءُ وَذَلِكَ أَنَّهُ بَوَّجَهُ يَسْجُدُ وَيَخْضَعُ وَيَبِيدُ يَسْأَلُ وَيَرْغَبُ وَيَرْهَبُ وَيَتَنَبَّلُ وَيَسْكُ وَبِرَأْسِهِ يَسْتَقْبِلُ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ وَبِرِجْلَيْهِ يَوْمُ وَيَقْعُدُ.

## جمع‌بندی

انسان عاقل به این نکته رهنمون می‌شود که برای تحقق و رسیدن به هدف و غایت آفرینش می‌بایست اصولی را رعایت کند و از اموری اجتناب نماید. در حقیقت عقل نظری و عقل عملی به او کمک می‌کند که جهان و حقایق آن را بشناسد و بر اساس هدف و حکمتی که برای جهان تعریف شده است راه و رویه‌ای را در پیش گیرد. این‌گونه است که برخی امور را در جهت هدف آفرینش خوب و نیک می‌یابد و برخی دیگر را بد و زشت. این همان احکام عقل عملی در حوزه اخلاق است که از آن به حسن و قبح عقلانی و اخلاقی یاد می‌شود.

آنچه تاکنون در احادیث رضوی علیه‌السلام بیان شد، دانسته می‌شود که جایگاه عقل و عقلانیت در همه‌ی عرصه‌های زندگی انسان نقش کلیدی و اساسی دارد. به سخن دیگر، سعادت و شقاوت انسان به عقل و میزان بهره‌گیری او از عقل است. انسان عاقل روابط خود با چهار حوزه زندگی‌اش که عبارت‌اند از انسان با خدا، انسان با خویشتن، انسان با خلق و انسان با هستی را سروسامان می‌دهد.

روایات تمامی معصومان علیهم‌السلام، به‌خصوص بیان حضرت امام رضا علیه‌السلام، در حوزه عقل نظری و عقل عملی رهنمود ارزشمند در جهت بهره‌گیری از عقل در تمام شئون زندگی و رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی خواهد بود.

در این جستار این مطلب به دست آمد که برخلاف نظر بسیاری از روشنفکر مآبان امروزی بین عقل و دین هیچ‌گونه تضاد، تعارض و ناهمخوانی وجود ندارد؛ چون استدلال‌های متقن حضرت امام رضا علیه‌السلام به عقل در هردو قسم نظری و عملی در مناظرات و گفتگوها این حقیقت را روشن می‌سازد که بین عقل و دین کاملاً همگرایی و هم‌پوشانی برقرار بوده و هرکدام از دیگری وام می‌گیرند.

وانگهی تفاوت بین عقل نظری و عقل عملی و کار کردهای آن از جمله مسابلی است که مورد توجه دقیق دانشمندان علوم جدید و قدیم قرار گرفته و در این مقاله نظرات برخی از اندیشمندان اسلامی بیان گردید.

## منابع و مأخذ:

قرآن کریم

- ❖ ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- ❖ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، مؤسسه التاریخ العربی، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۱۲ق.
- ❖ ابن بابویه قمی، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ق.
- ❖ برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دار الکتب الإسلامیة، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق.
- ❖ جعفری تبریزی، محمد تقی، حیات معقول، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، تهران، چاپ دوم: ۱۳۸۹ش.
- ❖ جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، انتشارات اسراء، قم، ۱۳۸۹ش.
- ❖ جوادی آملی، عبدالله، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، انتشارات اسراء، قم، چاپ پنجم، ۱۳۸۸.
- ❖ حر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداء بالنصوص والمعجزات، ناشر: اعلمی، بیروت، ۱۴۲۵ق.
- ❖ حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، ناشر: مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۹ق.
- ❖ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۴ش.
- ❖ طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، قم، پنجم، ۱۳۷۴ش.
- ❖ طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، المكتبة الحیدریة، نجف، چاپ دوم، ۱۳۴۴ش.
- ❖ عسکری، ابی الهلال، الفروق اللغویه، منشورات مکتبه بصیرتی، قم، ۱۳۵۳.
- ❖ کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دار الحدیث، قم، ۱۴۲۹ق.
- ❖ مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.

- ❖ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
- ❖ نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت (ع)، قم، ۱۴۰۸ ق.